

اصل برائت در حقوق کیفری ایران

مجتبی محمدی زاده کرمانی نژاد^۱

چکیده

اصل برائت کیفری با فرض بی گناهی برای اولین بار به صورت صریح و روشن در ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر فرانسه به سال ۱۷۸۹ مورد اشاره قرار گرفته است و از آنجائیکه امروزه سیستم دادرسی حاکم بر اکثر نظامهای قانونی دنیا از جمله سیستم حقوقی ایران سیستمی است مبنی بر تلفیقی از سیستم دلایل قانونی و سیستم اقناع وجدان قاضی که به نظر می رسد نزدیکترین راه به عدالت و انصاف می باشد و قبول اینکه اولین نظام حقوقی که اصل برائت را به صورت حقوقی و با همان معنای امروزی آن اعلام و قبول کرد، نظام حقوقی اسلام می باشد مفاد این اصل هم از جنبه شرعی مورد تاکید ائمه معصومین (ع) قرار گرفته است .
بر آن شدیم در این مقاله به بررسی جایگاه این اصل مورد قبول محاکم حقوقی جهان در حقوق کنونی ایران و تاریخ و اهداف و مبانی آن بپردازیم

واژگان کلیدی

۱- اصل عدم ۲- تفسیر شک به نفع متهم ۳- حقوق کیفری ایران ۴- قاعده قبح
عقاب بلا بیان ۵- حکم قطعی لازم الاجرا

مقدمه

ایراد بر چسب مجرمانه به شخص او را وارد فرآیندی از دادرسی کشور می‌کند که یک سوی آن حکومت با تمام اختیارات، ابزار و امکانات قرار دارد تا در برابر نقض قانون و مرتکب آن بایستد و از سوی دیگر متهمی است که هر چند در هنگام ارتکاب جرم ظاهراً قوی بوده است ولی در برابر حکومت و نمایندگان آن مانند دادستان و دادسرا و آنگاه در برابر قاضی و دادگاه دست بسته و کم توان است. اگر هیچ تمهیدی اندیشیده نشود و به این مظنون یا متهم اختیاری یا امکانی داده نشود که از خود دفاع کند، بی‌گناهی‌اش را ثابت کند یا دست کم نگذرد که بیش از استحقاقش بر او چیزی تحمیل شود و فراتر از آنچه انجام داده، عقاب شود، در واقع نظام حکومتی و به طور خاص نظام قضایی به او ستم کرده است.^۱

برای این منظور که چنین نشود لازم است، متهم هم از حقوقی برخوردار باشد که از خود دفاع کند. بنا به ضرورت و اهمیت این حقوق و با ملاحظه ستم‌هایی که از ناحیه نبود چنین قوانین و مقررات تضمین کننده‌ای بر افراد روا داشته است، در قوانین اساسی بسیاری از کشورها به تمام یا برخی از این حقوق به طور کلی و عام اشاره شده است. همچنان که در اسناد بین‌المللی نیز به این مهم توجه شده و در کنار الزام‌ها، توصیه‌ها و راهنمایی‌های فراوانی به قانونگذاران ملی شده کدامین حقوق را پاس بدارند. با این حال همه کشورها به یکسان، متهمان را از این حقوق برخوردار نکرده و به فراخور تلقی‌ای که از جرم و مجرم، نظم و قوق و نیز اختیارات قضایی دادستان و دادگاه‌ها داشته‌اند، روش‌های متفاوتی را پیموده‌اند.^۲

فصل اول: سیر تحولات تاریخی اصل برائت

۱- سیر تحولات تاریخی اصل برائت در غرب

۱- محمودی جانکی، فیروز، علوم جنایی، ج ۱، انتشارات میزان، ص ۱۰۳.

۲- همان، ص ۱۰۴.

از قرن هیجدهم به بعد با آغاز نهضت روشنفکری و انسان گرایی مبتنی بر اصول علمی و عقلی بشری، خواست عمومی به مخالفت سیستم خشک و غیر منعطف و دلایل قانونی قرار گرفت. افکار عمومی، نویسندگان و فلاسفه شدیداً با اصول و قواعد حقوقی که سیستم دلایل قانونی را ارزش گذاری و اعتبار می‌بخشید به مخالفت برخاست که نهایتاً منجر به صدور اعلامیه حقوق بشر در فرانسه به سال ۱۷۸۹ گردید. همین تحولات به تدریج آغاز اصلاحات تعیین کننده‌ای در حقوق جزا گردید که موجب ارائه یک سیستم مختلط از سیستم ارائه دلایل قانونی و سیستم اقناع وجدان قاضی گردید.

امروزه سیستم دادرسی حاکم بر اثر نظام‌های قانونی دنیا از جمله سیستم حقوق ایران سیستمی است مبتنی بر تلفیقی از سیستم دلایل قانونی و سیستم اقناع وجدان قاضی که به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین راه به عدالت و انصاف است. از جمله کسانی که می‌توان به عنوان بنیانگذار سیستم تلفیقی نام برد روبسپیر فرانسوی است که از انقلابیون و اعضاء مجلس قانون اساسی انقلاب کبیر فرانسه بود. ایشان معتقد بود که می‌توان سیستمی را پیش‌بینی کرد تا در عین حال که به دلایل قانونی اعتماد می‌کند جایگاه مهمی را برای سیستم اقناع وجدان قاضی فراهم آورد. ایشان پیشنهاد می‌کرد که هیچ متهمی را نمی‌توان بدون حاکمیت فروض قاضی متهم کرد و در عین حال هیچ دلیل قانونی نیز چنانچه منجر به اقناع وجدان قاضی نشود یا با دریافت‌های وجدانی قاضی در تعارض باشد، نمی‌تواند مبنای محکومیت قرار گیرد.^۱

اصل برائت کیفری با فرض بی‌گناهی برای اولین بار به صورت صریح و روشن در ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر فرانسه به سال ۱۷۸۹ مورد اشاره بدین نحو قرار گرفت: «همه افراد بی‌گناه فرض می‌شوند تا وقتی که مجرمیت آنها اعلام شود» اما اولین سند بین المللی که اصل برائت را مورد تصریح قرار داده اصل یازده اعلامیه جهانی بشر مصوبه دهم دسامبر ۱۹۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد است که مقرر می‌دارد:

۱- شاملو، باقر، اصل برائت کشور در نظام‌های نوین دادرسی، علوم جنایی، انتشارات سمت، ص ۲۶۷.

«هرکسی که به بزهکاری متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که جریان یک دعوی عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد؛ جرم او قانوناً محرز گردد.»

این فرض قانونی همچنین در بند دوم ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجدداً مورد تصریح قرار گرفت «هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد، حق دارد بی‌گناه فرض شود تا این که مقصر بودن او طبق قانون محرز شود.»

نهایتاً کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰ در بند ۲ از ماده ۶ به تعریف اصل برائت پرداخته است «هر کسی متهم به ارتکاب جرمی باشد بی‌گناه فرض می‌شود تا اینکه به بی‌گناهی‌اش طبق قانون اثبات شود.»

۲- سیر تحولات تاریخی اصل برائت در اسلام

اصل برائت در حقوق اسلام کاربرد زیادی دارد و بسیار مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته است، زمانی که اصول فقه هنوز به عنوان یک رشته علمی مستقل، تدوین نیافته بود قواعد و مقررات اصل برائت در میان آیات و روایات قرآن وجود داشت.

(الف) آیه هفتم سوره طلاق «لا یكلف الله نفساً الا ما آتاها» «خداوند فقط مردم را به چیزهایی تکلیف می‌کند که به ایشان بیان کرده است»

(ب) آیه ۵۱ سوره اسراء «و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولاً» «ما کسی را مجازات نمی‌کنیم مگر اینکه پیامبری را فرستاده باشیم.»

(ج) حدیث رفع از پیامبر (ص) که می‌فرماید: «رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةُ آيَاتٍ: الْخَطَاءُ وَالنِّسْيَانُ وَ مَا أَكُوهُوا عَلَيْهِ وَ مَا لَا يَعْلَمُونَ وَ مَا لَا يَطِيقُونَ وَ مَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ وَ الْحَسَدُ وَ الطَّيْرَةُ وَ التَّفَكُّرُ فِي الْوَسْوَسةِ فِي الْخَلْقِ مَا لَمْ يَنْطِقْ بِشَفْتِيهِ»

«از امت من نه چیز برداشته شده: اشتباه، فراموشی، اکراه، جهل، عجز، اضطرار، حسد، تفأل و اندیشه و وسوسه در مردم کردن مادامی که به زبان جاری نشود.»

زمانی که علم اصول فقه تدوین شد، اصل برائت نیز به عنوان یکی از اصول علمیه جز مباحث علم اصول فقه قرار گرفت و دلیل عقل هم بر ادله آن افزوده شد، که از آن با نام قاعده «قبح عقاب بلا بیان» یاد می‌شود، معمولاً برای بحث از اصول علمیه شش صورت مطرح می‌شود. یک صورت آن شبهه حکمیه است یعنی در حکم شرعی یا قانونی چیزی شک نشود که آن حکم نیز با وجوب است یا حرمت و علت شک هم یا نبودن دلیل است یا اجمال و ابهام در دلیلی که وجود دارد. صورت دیگر آن شبهه موضوعیه است که با بحث ما ارتباط دارد یعنی در موضوعی شک شود که حرام است یا واجب و علم شک هم نبودن دلیل باشد یا ابهام و اجمال در دلیلی که وجود دارد. وقتی شک می‌شود که شخص مجرم است یا بی-گناه، اصل برائت موضوعی می‌گوید که این شخص بی‌گناه است تا وقت که گناه او ثابت شود.^۱

علاوه بر موارد فوق در سیره امام علی (ع) روایاتی به چشم می‌خورد که نشان دهنده حاکمیت مطلق اصل برائت در امور کیفری است. از جمله اینکه آن حضرت می‌فرماید: "اتّی لاأخذ علی التّهمه و لا اعاقب علی الظن" «من به خاطر تهمت کسی را مورد بازخواست قرار نمی‌دهم و با گمان و ظن، به کسی کیفر نمی‌دهم» معنای این کلام این است که بی‌گناهی همه مردم یک اصل اساسی است و اگر کسی متهم به ارتکاب جرمی شده یا مورد ظن و گمان واقع شده و احتمال داده شود اقدامی علیه قوانین عمومی کرده باشد، به سبب تهمت و گمان مورد مؤاخذه و کیفر قرار نمی‌گیرد بلکه همچنان بی‌گناه شناخته خواهد شد تا آن که بزهکاری وی ثابت شود. حضرت در جایی دیگر می‌فرماید «اگر علیه کسی حجت و دلیلی ندارید، او را معاف و معذور بدارید.»^۲

در واقع باید گفت اصل برائت کیفری ریشه در اصل عملی استصحاب، یکی از اصول عملیه معروف در علم اصول فقه، دارد زیرا با ورود اتهام به متهم اصل استصحاب عدمی به کمک وی شناخته و او را از انتساب ارتکاب مبرا می‌سازد. به

۱- زراعت، عباس، اصول آیین دادرسی کیفری ایران- انتشارات مجد- ص ۱۴.

۲- شمس ناتری، محمد ابراهیم، بررسی تطبیق مجازات اعدام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۱۹۶.

سبب عقلانی بودن اصل برائت، حکم عقل در این باره از چنان اتفانی برخوردار است که ادله نقلیه مربوط را به صورت ادله ارشادی و نه مولوی قرار می‌دهد تا جای که قاعده معروف «البینه علی المدعی والیمین علی المنکر» که در تمامی دعاوی حقوقی جاری است، در امور کیفری نیز بدون نیاز به سوگند منکر جریان می‌یابد. اصل برائت در حقوق اسلام از چنان قدرتی برخوردار است که در موارد اتهامات مربوط به جرایم جنسی خاص، در صورت عدم اثبات اتهام از ناحیه تعقیب کننده امر کیفری، نه تنها متهم تبرئه می‌شود بلکه متهم کننده نیز به حد قذف محکوم می‌گردد. حتی در صورت عدم کفایت شهود یا تعارض شهادات آنان با یکدیگر از حدیث زمان و مکان ارتکاب جرم اتهامی، خود شهود به حد قذف محکوم می‌شوند.^۱

۳- سیر تحولات تاریخی اصل برائت در ایران

اصل برائت یکی از اصول مترقی است که دارای سابقه طولانی می‌باشد و امروزه مورد قبول همه نظام‌های آیین دادرسی کیفری قرار گرفته است. در حقوق ایران نیز مقررات مختلفی در مورد اصل برائت وجود دارد از جمله اصل ۳۷ قانون اساسی که مقرر می‌دارد «اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانونی مجرم شناخته نمی‌شود مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد» قانون آیین دادرسی به صراحت اصل برائت را بیان نکرده اما آثار این اصل در مواد مختلفی بیان گردیده است ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی این اصل را مورد تصریح قرار داده است «اصل، برائت است بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند در غیر این صورت با سوگند خوانده حکم برائت صادر خواهد شد.»

اصل برائت گرچه یک اصل بسیار قدیمی است اما مفهومی که در آن زمان‌ها از اصل برائت وجود داشته با آنچه که امروزه به عنوان یکی از اصول اساسی آیین دادرسی مطرح است تفاوت فراوان دارد و آن زمان اصل برائت به صورت ناقص در قالب آزمون‌های اوردالی اعمال می‌شد و اولین نظام حقوقی که اصل برائت را به

۱- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۱، چ ۷، بیروت ص ۳۰۶.

صورت حقوقی و با همان معنای امروزی آن اعلام و قبول کرد، نظام حقوقی اسلام می‌باشد، مفاد این اصل هم از جنبه شرعی مورد تأکید ائمه معصومین (ع) قرار گرفته است. امروز، به دلیل این که حقوق جزا و به ویژه دادرسی کیفری تحت نفوذ کامل حقوقی عمومی درآمده است و مقامات تعقیب در امر کیفری اعم از دادستان و غیره به عنوان مدعی العموم در برابر متهم دارای قدرت زیادی‌اند که به موجب آن به راحتی امکان استفاده از قوای عمومی و دیگر تضمین‌های ویژه را دارا می‌باشند و در مقابل، متهم از هیچ یک از این امکانات بهره‌مند نیست، کفه ترازوی عدالت کیفری به نفع مدعی العموم سنگینی می‌کند.^۲

فصل دوم: مبانی، اهداف و فلسفه وضع اصل برائت کیفری

اصل برائت به عنوان یکی از مهمترین تضمین‌های حقوق بشر، مورد احترام همگان است این احترام و نفوذ، تنها نتیجه تأکید قوانین داخلی یا پیمان‌های بین المللی نیست اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی فراوانی موجد آن است، چنانچه می‌توان ادعا کرد که اصل برائت در زمره حقوق فطری عصر ما قرار دارد. اصل برائت یا مفهوم و قلمرو گسترده‌ای که در حقوق کنونی پیدا کرده است، مبنای بسیاری از اصول دیگر نیز قرار می‌گیرد که در واقع شاخه‌های اصل برائت است و هر کدام قلمرو ویژه‌ای دارد. چنان که اصل مباح بودن (اصالة الاباحه)، اصل حاکمیت اراده و اصل آزادی قراردادی و اصل تکمیلی بودن قوانین از شاخه‌های اصل برائت است.

۱- زشتی عقاب پیش از بیان، یکی از مبانی مهم اخلاقی و عقلی اصل برائت است.

اصل برائت: «الرابع حکم العقلاء كافةً بقبیح مواخذة المولی عبده علی فعل مايعترف بعدم اعلام اصلاً بترحیمه»

عدم تأثیر قوانین در گذشته نیز که یکی از ۲ اصل بر قوانین انتقالی و رفع تعارض قوانین در زمان است از همین قاعده نتیجه می‌شود، چرا که سایه قانون

۱- آشوری، محمد، عدالت کیفری، انتشارات میزان، ص ۱۳۸.

۲- خزانی، منوچهر، اصل برائت و اقامه دلیل در دعوی کیفری، مجله تبلیغات حقوقی ش ۱۵/۱۴.

جدید گذشته به منزله عقابی است که تکلیف مبنای آن از پیش بیان نشده است. بدین ترتیب باید با کسانی همداستان شد که عقاب و مواخذه پیش از بیان تکلیف را به شهادت وجدان و عقل مستقل، قبیح می‌داند.^۱

۱- تکلیف تاجایی معقول است که اجرای آن خارج از توان و طاقت مکلف نباشد انتظار اجرای تکلیف بیان نشده است. توقعی شایسته خردمندان نیست و باید آن را از مصداق‌های تکلیف خارج از طاقت شمرد.^۲

۲- انسان به حکم فطرت خود میل به نیکی و اجرای قانون و رعایت نظم دارد. بر مبنای همین دید فلسفی، اصل برائت را بر صحت کار انسان نهاده‌اند و ارتکاب جرم را امری استثنایی و نیازمند به اثبات دیده‌اند.^۳

۳- اصل عدم که از جمله اصول عقلی است بیان می‌دارد که فرض بر عدم هر چیزی است مگر آن که وجودش اثبات گردد. مطابق این اصل امور عدمی قابل اثبات نیستند بلکه وجود اشیاء و امور باید ثابت گردد، بنابراین، اصل بر عدم ارتکا اعمال مجرمانه است مگر آن که وقوع عملی ممنوع و مجرمانه ثابت گردد. مفهوم و معنای این اصل با اصل برائت بسیار نزدیک است. به همین جهت اصل عدم از جمله مبانی اصل برائت تلقی می‌شود. در اصل برائت گفته می‌شود که اصل بر مصونیت افراد از هرگونه تعرض است مگر آن که قانون آن را مجاز دانسته باشد. نتیجه این که به کمک اصل عدم و به استناد اصل برائت، ارتکاب اعمال مادی مجرمانه، وجود سوء نیت و انتساب آنها به افراد باید با انجام تشریفات قانونی و به طریقی یقین آور ثابت گردد والا اصل عدم و اصل برائت حاکمیت دارد.^۴

۱- خراسانی، ملا محمد کافع، کفایه، ج ۲ با حواشی بروجردی ص ۲۲۱.

۲- کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل، نشر میزان، ج ۲، ص ۲۳۰.

۳- کاتوزیان، ناصر، همان پیشین.

۴- شاملو، باقر، اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی، علوم جنایی، نشر سمت، ص ۲۷۱.

فصل سوم: مبانی حقوقی اصل برائت کیفری

اصل برائت در بسیاری از متون قانونی به مناسبت‌های گوناگون و گاه بدون نام برائت آمده و اعمال شده است. در رویه قضایی و نظریه‌های حقوقی نیز چندان بکار رفته است که به جرأت می‌توان ادعا کرد که هیچ تردیدی در اعتبار اصل برائت وجود ندارد.

۱- در اصل ۳۷ ق. ۱، اصل برائت، در یکی از مهمترین زمینه‌ها یعنی حقوق کیفری شناخته شده است و نتیجه منطقی این شناسایی تکلیف قانونگذار در رعایت این اصل است. نتیجه مهم دیگر آن در مقام تفسیر قوانین ظاهر می‌شود چون فرض این است که قانونگذار عادی احترام اصول اساسی نظام کشور را رعایت می‌کند در تفسیر قانون نیز باید از اعمال اصل دریغ نکرد. اندیشه‌های حقوقی از اصل برائت به تمهید اصل دیگری پرداخته است که در تفسیر قوانین کیفری سهم مهمی دارد، بدین مضمون که هر تردید به سود متهم تعبیر می‌شود و جز به حکم یقین بر مجرمیت صادر نمی‌شود، خواه شبهه ناشی از تعارض دو حکم باشد یا شک در مصداق قاعده عام باشد.^۱

۲- درم ۱۹۷ ق. ا.د.م درباره دعاوی مدنی چنین آمده است «اصل برائت است، بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد، باید آن را اثبات کند، در غیر این صورت با سوگند خوانده حکم برائت صادر خواهد شد. درست است که خواهان اگر دلیلی نداشته باشد، می‌تواند از خوانده درخواست سوگند کند و سرنوشت دعوا را موکول به این احتمال کند ولی این الزام نتیجه درخواست سوگند است و نباید آن را در مفاد اصل برائت آورد، چندان که تصور شود، اتیان سوگند قاعده عمومی و الزام آور است و دادگاه باید امر به آن کند، خواه مدعی بخواهد یا ساکت

۱- نائینی، میرزا حسین، فوائد الاصول، موسسه النشر الاسلامی، ج ۳، ص ۳۸۸.

بماند، به بیان دیگر، برائت خوانده نتیجه اصل برائت است نه سوگند و تداخل این دو درست نیست.^۱

۳- مواد ۳۰۲ و ۳۰۳ ق.م نیز به طور ضمنی مبنای اصل برائت، یعنی قبح عقاب بدون بیان را تأیید می‌کند به موجب این مواد، قوانین باید منتشر شود و مدتی از آن بگذرد تا بتوان چنین فرض کرد که همه از آن آگاهند و تنها در این صورت که می‌توان انتظار اجرای قانون را داشت و مردم را از جهت نقض تکلیف سرزنش کرد یا مجرم شمرد.

۴- از اصل تساوی مردم در برابر قانون (اصل ۱۹ قانون اساسی) نیز می‌توان برای تأیید اصل برائت استفاده کرد.

۵- از لزوم مستدل و موجه بودن حکم دادگاه کیفری هم به گونه‌ای اصل برائت اثبات می‌گردد (ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری در امور دادگاه‌های عمومی و انقلاب) زیرا در صورتی این تکلیف منطقی می‌نماید که دادگاه بخواهد بر خلاف اصلی سخن بگوید و دلیل بیاورد و در رسیدگی به اتهام، اصل برائت مانع از پذیرش آن بدون دلیل می‌شود.

فصل چهارم: شاخه‌ها و نتایج اصل برائت کیفری

اصل برائت یکی از پایه‌های اصلی حقوق کنونی است و اصول دیگری از آن متأثر شده و پا گرفته است که هر کدام ستونی از ساختمان حقوقی ما است.

۱- اصل اباحه

به موجب این اصل، جرم شناختن، حکمی استثنایی و در انحصار قانون است، حکم به مجازات باید تفسیر محدود شود و در هر جا که در وجود جرم یا شدت کیفر تردید به میان آید باید قانون را به سود متهم تعبیر کرد و در اعمال مجازات به قدر متقین قناعت کرد. کارکردی کیفری این اصل در حقوق جزا تحت عنوان اصل قانونی بودن جرم و مجازات انعکاس یافته است.

۱- کاتوزیان، ناصر، همان پیشین.

۲- اصل صحت در قراردادها

بدین معنی که هرگاه در مخالفت عقد با قانون تردید شود یا ادعا بر این باشد که عقد صوری یا نامشروع است باید اصل را به صحت قرارداد نهاد و از مدعی بطلان دلیل خواست.

۳- اصل آزادی قراردادها

این اصل چهره‌ای از اصل اباحه در زمینه قراردادی است و شاید پیش از هر اصل دیگری در اعمال حقوقی کاربرد دارد.

۴- اصل تسلیط

م.ق.م در بیان مفهوم و قلمرو این اصل اعلام می‌کند هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.

فصل پنجم: آثار اصل برائت

حقوق کیفری نیز در قواعد دادرسی از اصل اقامه دلیل پیروی کرده است اما مفهوم و اهمیت و حدود اعمال آن در دادرسی مدنی و کیفری متفاوت بوده و کاربرد یکسان ندارد. در سیستم‌هایی که دعوی توسط دادسرا طرح و تعقیب می‌شود اقامه دلیل از وظایف خاص این مرجع می‌باشد و مواردی که متضرر از جرم به تبع امر کیفری مبادرت به طرح دعوی نماید دلیل آوری در خصوص ضرر و زیان به عهده مدعی خصوصی خواهد بود. اینک اگر بخواهیم اصل یاد شده را به مثابه آنچه در حقوق مدنی معمول است در امر کیفری نیز اعمال کنیم در واقع دادسرا به عنوان مدعی باید دلایل مربوط به وجود عناصر قانونی و مادی جرم و همچنین انتساب عمل ارتكابی به متهم را ارائه نماید. متهم نیز به توبه خود هر آینه به یکی از وسایل دفاعی فقدان مسولیت مثل دفاع مشروع یا اجبار و یاجنون و غیره متوسل شود ارائه دلیل و اثبات امر به عهده او خواهد بود. در حالی که با توجه به

افتراق کلی خصایص مدنی و کیفری، اعمال اصل مذکور در دعوای کیفری اساساً مفید و مشروط به رعایت اصول و قواعد مربوط به این نظام می‌باشد چه آن که در دعوای حقوق طرفین دعوی (مدعی و مدعی علیه) در شرایط برابر و مساوی قرار دارند و هر ادعایی که با انکار صرف مواجه گردد، مدعی باید وظیفه ارائه دلیل را تحمل کند اما در دعوای کیفری موضوع به نحو دیگری توجیه می‌شود. دادسرا به عنوان مدعی در مقام متهم (مدعی علیه) حالت خصومت و یا رقابت ویژه خواهان در دعوی مدنی را ندارد بلکه علاوه بر وظیفه کوشش در تحقق بخشیدن به خواسته جامعه در تعقیب جرم و تحصیل محکومیت کیفری بزهکار، لزوماً به هنگام کشف جرم و جمع‌آوری دلایل و به دست آوردن حقایق اعم از این که به نفع یا به ضرر متهم باشد بی‌طرفانه اقدام می‌نماید. در دعوای کیفری در واقع متهم با تکیه بر اصل برائت یا فرض بی‌گناهی دادسرا را مکلف ساخته که با ارائه دلیل، خلاف آن را ثابت کند و در صورت فقدان دلیل متهم هرگز تکلیفی به اثبات بی‌گناهی نداشته و مبری شناخته می‌شود.

الف) فرض برائت و حق دفاع متهم

برخی از حقوقدانان حق دفاع را عبارت از حقی دانسته که به موجب آن هر فردی که مورد تعقیب قرار گیرد بتواند در محاکم پیش از آن که مورد حکم قرار گیرد از خود دفاع کند.^۱

۱- تکلیف مقام تعقیب به تحصیل و ارائه دلیل

نخستین و مهمترین اثر اصل برائت در تکلیف مقام تعقیب به تحصیل و ارائه دلیل و اثبات بزه انتسابی به متهم نهفته است. در یک دعوی کیفری، دادستان مدعی اصلی می‌باشد و لذا به موجب قاعده «البینه علی المدعی» مکلف به اثبات بزهکاری متهم در مقابل دادگاه است، و متهم تکلیفی بر اثبات بی‌گناهی خود ندارد

۱- کاتبی، حسینقلی، حق دفاع، حقوق مردم، شماره، ص ۲۷.

و بر دادرسا، به نمایندگی از سوی جامعه و یا شاکی خصوصی است که نقض مقررات از سوی متهم را به اثبات برساند.

۲- چگونگی تحصیل دلیل

نخستین مسأله در ارتباط با شیوه تحصیل دلیل، چگونگی برخورد با سکوت متهم پس از احرار هویت و تفهیم اتهام به وی در مرحله تحقیقات مقدماتی است. بنابراین نه تنها ارائه دلیل و بار دلیل بر عهده مقام تعقیب یعنی دادرسا یا شاکی نهاده شده است بلکه شیوه تحصیل آن نیز از جمله آثار مهم اصل برائت تلقی می-گردد یعنی تحصیل دلیل باید با توسل به شیوه‌های صحیح قانونی و با هماهنگی لازم با اصول اخلاقی و ضوابط حاکم بر ضرورت رعایت کرامت انسانی به عمل آید.

۳- تفسیر شک به سود متهم

عدم تعبیر شک به نفع متهم منجر به پذیرش اصل مجرمیت وی خواهد شد بنابراین قضات و دادگاه‌ها در صورت عدم حصول اقناع وجدانی و بقاء شک و تردید نسبت به بزهکاری متهم باید نسبت به صدور احکام برائت یا قرارهای منع تعقیب اقدام نمایند.

۴- تفهیم اتهام

مسأله تفهیم اتهام که باید مقدم بر آغاز بازپرسی از متهم و پس از احرار هویت وی صورت پذیرد نیز به نوبه خود و در ارتباط با حق دفاع متهم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۵- وکیل مدافع و حق دفاع متهم

استفاده از معارضت قضایی و دانش حقوقی- فنی وکلای دعاوی در امور کیفی در دو مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی نهایی در دادگاه عنوان می‌شود.

ب) فرض براءت در مرحله تحقیقات مقدماتی

۱- منع اجبار متهم به اقرار یا شهادت علیه خود

این اصل به عنوان یک مبنای اساسی حقوق متهم و یکی از آثار مهم اصل براءت به این معنا است که در جریان یک تعقیب کیفری مقام تعقیب باید اتهام متهم را اثبات نماید و نباید شرایطی را فراهم آورد که متهم مجبور به اقرار شود و خو را مجرم قلمداد نماید. شخص می‌توان بدون هیچ گونه ترس و هراسی بگوید که حق دارد از پاسخگویی به سوالات امتناع نماید و از حق مصونیت در مقابل خود اتهامی برخوردار باشد.^۱

۲- حق سکوت

حق سکوت به این معنا که فرد می‌تواند ساکت بماند بدون این که سکوتش دلیل یا نشانه‌ای بر ارتکاب جرم باشد، مگر حق مصونیت در مقابل خود اتهامی می‌باشد. حق مزبور با هدف حمایت از افراد در مقابل خود اتهامی هم در مرحله تحقیق و هم در مرحله دادرسی وجود دارد.

۳- حق برخورداری از معاضدت وکیل و مترجم

امروزه با توجه به این که بر ضرورت «تساوی سلاح‌ها» بین اصحاب دعوی تأکید می‌شود و به ویژه این که هدف از دادرسی کیفری دستیابی به واقعیت امر و نه انجام تشریفات صوری رسیدگی است، به تدریج از سری بودن تحقیقات مقدماتی نسبت به متهم و وکیل مدافع او کاسته شده است و به وکیل مدافع اجازه حضور در انجام تحقیقات مقدماتی داده می‌شود.^۲

۴- آزادی متهم و تحدید موارد بازداشت موقت

۱- آخوندی، محود، آیین دادرسی کیفری، انتشارات تبلیغات اسلامی، ج ۲، ص ۸.

۲- آشوری، محمد، عدالت کیفری، انتشارات میزان، ص ۱۴۰.

بازداشت موقت متهم عبارت است از سلب آزادی از متهم و زندانی کردن او در طول تمام یا قسمتی از تحقیقات مقدماتی توسط مقام صالح قضایی. بازداشت موقت بدون تردید مطمئن‌تری وسیله‌ای است که در اختیار قضات کیفری قرار داده شده است. برای جلوگیری از این که متهم در طول تحقیقات مقدماتی و حتی ادامه آن در تحقیقات نهایی و بالاخره در مرحله قطعیت حکم و اجرای مجازات نتواند با فرار یا مخفی شدن موجبات اختلال در رسیدگی به جرم و تأخیر و عدم موفقیت در اجرای حکم کیفری را فراهم سازد.

ج) فرض برائت در مرحله دادرسی

۱- حق برخورداری از یک محاکم علنی - منصفانه - مستقل و بی‌طرف

تحقق عدالت به معنای عام و عدالت کیفری به معنای خاص آرزوی هر انسان عدالت خواهی بوده و هست. بدیهی است عدالت کیفری که هدف هر دادرسی جزایی است بدون برقراری محاکمه‌ای که در آن سه ویژگی مذکور تضمین شده باشد، فرصت ظهور نخواهد داشت.

۲- حق دفاع

حق دفاع در یک تضمین جامع عبارت است از سلطه غیر قابل انفکاک با شخصیت فرد که به وسیله نظام حقوقی کشور به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرار گرفته است و به موجب آن شخص می‌تواند رفتار مجرمانه یا ادعای حقوقی علیه خود را که بر اساس شکایت اشخاص با مقام تعقیب از سوی مراجع انتظامی و قضایی به وی منتسب گردیده است، با همه امکانات و طرق قانونی رد و انکار نماید.^۱

۳- حق برخورداری از مساعدت رایگان مترجم

۱- مؤذن زادگان، حسنعلی، حقوق دادخواهی و دفاع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، ش ۹، ص ۱۳۶۰.

با توسل به اصول حقوقی نظیر اصل برائت و اصل تساوی سلاح‌ها و یا با استفاده از این حربه که ایران اسناد حقوقی آن را امضاء و بعضاً تصویب نموده و در نتیجه همچون قانون لازم الاجرا می‌باشند می‌توان رایگان بودن حق مزبور را استنتاج کرد اما در هر حال بر قانونگذار است که در اصلاحات بعدی خود به صراحت رایگان بودن حق برخورداری از مترجم را هم در مرحله تحقیقات مقدماتی و هم در مرحله دادرسی به رسمیت بشناسد.

۴- حق احضار و پرسش از شهود

سوال از شاهد طرف مقابل نهاد بسیار مهمی در رسیدگی‌های کیفری محسوب می‌شود که هدف از آن تضمین هرچه بیشتر برقراری یک دادرسی عادلانه و کشف هر چه بهتر حقیقت می‌باشد.

۵- تفسیر شک به نفع متهم

یکی دیگر از آثار اصل برائت تضمین شک به نفع متهم است. قاعده مزبور یک قاعده عام است به این معنا هم در قلمرو مسائل موضوعی اعمال می‌شود و هم در قلمرو مسائل حکمی.

نتیجه‌گیری

اصل برائت که می‌توان آن را میراث مشترک حقوقی همه ملل متمدنی جهان محسوب کرد در یکی دو قرن اخیر و به ویژه پس از جنگ جهانی دوم مورد اقبال و عنایت خاص حقوقدانان در حقوق داخلی کشورها و نیز موضوع اعلامیه‌ها و کنوانسیون در سطح منطقه‌ای و یا بین‌المللی قرار گرفته است.

هیچ یک از نظام‌های حقوقی فعلی، اعم از کشورهای پیرو سیستم کامن‌لا و سایر کشورها خود را بی‌نیاز از اصل برائت ندانسته‌اند و اعمال آن در امر دادرسی به صورت یک قاعده آمره و تکلیفی محسوب گردیده است. رویه قضایی در نقض تصمیمات مراجع قضایی که خلاف آن عمل کرده‌اند بهترین مستند اعتبار و اهمیت اصل یاد شده می‌باشد.

اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی یعنی استمرار بخشیدن به آثار اصل حفظ کرامت انسان و مصون بودن افراد جامعه از هرگونه تعرض و آثار آن مگر به واسطه وجود یک محکومیت قانونی، قطعی و لازم الاجرا. به عبارت دیگر فرض بی‌گناهی «بدین معنی است که مجموعه اجزا یک یک نظام قضایی، اداری و اجتماعی جهت حاکمیت بخشیدن به اصل مصونیت افراد از هر نوع تلاشی هماهنگ و سازگار داشته باشند. در چنین فرضی است که روح حاکم بر جهت گیری‌ها و عملکردهای واقعی اجزاء یک سیستم اجتماعی و حقوقی، عینیت بخشیدن به فرض بی‌گناهی مظنون یا متهم است مگر آن که یک حکم قطعی و لازم الاجرائی که بر اساس ضوابط دقیق قانونی علیه فرد صادر شده است، جایگزین اصل برائت گردد.^۱

۱- شاملو، باقر، همان پیشین، ص ۲۸۰.

منابع و مأخذ

۱. آشوری، محمد، عدالت کیفری، انتشارات میزان
۲. آخوندی، عباس، اصول آیین دادرسی کیفری ایران، انتشارات تبلیغات اسلامی، ج ۲
۳. زراعت، عباس، اصول آیین دادرسی کیفری ایران، انتشارات مجد
۴. خزانی، منوچهر، اصل برائت و اقامه دلیل در دعوی کیفری، مجله تحقیقات حقوقی ش ۱۵/۱۴
۵. خراسانی، ملا محمد کافع، کفایه، ج ۲ با حواشی بروجردی
۶. شاملو، باقر، اصل برائت کشور در نظام‌های نوین دادرسی، علوم جنایی انتشارات سمت
۷. شمس ناتری، محمد ابراهیم، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
۸. کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، نشر میزان، ج ۲
۹. کاتبی، حسینقلی، حق دفاع، حقوق مردم، شماره ۳
۱۰. موذن زادگان، حسنعلی، حقوق دادخواهی و دفاع و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، ش ۹.
۱۱. محمودی جانکی، فیروز، علوم جنایی، ج ۱، انتشارات میزان
۱۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۱، چ ۷، بیروت
۱۳. نائینی، میرزا حسین، فوائد الاصول، موسسه النشر الاسلامی، ج ۳.